پژوهشنامه خراسان بزرگ
شماره ۳۰ بهار ۱۳۹۷
No.30 Spring 2018
۴۹-۶۴
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۰

تحلیل پیروزی حملات محمود غزنوی ازپایگاه خراسان بزرگ به هندوستان؛ بر اساس مولفه‌های مفهومی مدل سوآت

✓ **نیره دلیر**: استادیار پژوهشکده علوم تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
✓ **حسین نوروز اصل**: کارشناس ارشد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

محمود غزنوی از پایگاه سرزمینی خراسان بزرگ، بارها به همسایه مجاور خود هندوستان حمله کرده است. این حملات پس از تسلط بر سرزمین‌های خراسان بزرگ و استفاده از امکانات متعدد این سرزمین رخ داده است. مسئله پژوهش بر دلایل حمله استوار نیست، بلکه دلایل پیروزی‌های مکرر وی در این رشته نبردها را پرسش خود قرار داده است. از این رو نتایج جنگ‌ها با استخراج داده‌ها از منابع و بهره‌گیری از مفاهیم اصلی نظریه تحلیلی سوات (SWOT) مبتنی بر چهار مؤلفه کلیدی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید تحلیل و ارزیابی خواهد شد. یافته‌ها با استفاده از مفاهیم این مدل تحلیلی نشان می‌دهد به ثمر رسیدن پیروزی‌های سلطان محمود در هند، با وجود داشتن برخی نقاط ضعف، از مهارت بالای وی در تبدیل نقاط ضعف به قوت خبر می‌دهد. سایریافته‌ها نشان می‌دهد محمود غزنوی در این فتوحات از یکسری نقاط قوت برخوردار بوده که در شرایط جنگی توانسته به وسیله آن‌ها، نقاط ضعف و تهدیدات پیرامونی را پوشش داده و آن‌ها را به فرصت‌های بیرونی مناسب برای پیروزی فراهم کند. روشن است فتح این سرزمین ثروتمند خود به تداوم سلطه بر خراسان، کمک شایانی کرده است.

واژگان کلیدی: محمود غزنوی، حمله/ فتوحات، هند، خراسان، سوات/swot.

Abstract

Mahmoud Ghaznavi, repeatedly attacked neighboring India from his Great Khorasan territory. These attacks took place after dominating the Great Khorasan lands, and making use of numerous facilities of this region. The main question of this research is not investigating the reasons of the attacks, but the reasons behind his frequent victories in these battlefields. Hence, the results of the wars will be analyzed and evaluated by extracting data from the sources and utilizing the concepts of Swat's Theory (SWOT) pivoted on four key components of strengths, weaknesses, opportunities, and threats, which will be carefully taken into consideration. The findings of this study derived from the concepts of the SWAT analytical model, demonstrated that the triumph of Sultan Mahmud in India, is an indication of his high skills in turning weaknesses into strengths despite having some weaknesses. Other findings indicated that Mahmoud Ghaznavi had a number of strengths in these conquests which enabled him to to overcome the obstacles and threats and turn them into opportunities for victory. It is clear that conquering the wealthy land of India has contributed significantly to the continuing domination over Khorasan.

Keywords: Mahmood Ghaznavi, Attack / Conquest, India, Khorasan, SWOT.

*نویسنده مسئول مکاتبات: نیره دلیر (۰۲۱۸۸۰۶۶۰۵۱) (dalirNh@yahoo.com)

مقدمه

پس از تسلط کامل محمود غزنوی بر خراسان بزرگ، شاهد حملات او به سرزمین هندوستان از سال ۳۹۲ق با فتح پیشاور تا فرجامین فتح سومنات در سال ۴۱۶ ق هستیم. سلطان محمود ۳۴ سال بر خراسان بزرگ فرمانروایی کرد و در مدت فرمانروایی‌اش، به غیر از پنج سال آغازین و پنج سال پایانی فرمانروایی‌اش که درگیر مسائل داخلی قلمرو خود بود، طی ۲۴ سال بارها به هندوستان با قلمروهای گوناگون و حاکمیت‌های متعدد محلی حمله کرد. بنابراین، نبردهای سلطان محمود غزنوی با هندوها به عنوان محور کانونی در دوره بلندمدت فرمانروایی‌اش از اهمیت برخوردار است. در این پژوهش، حملات سلطان محمود به هند با استفاده از مفاهیم مدل سوات و بهره‌مندی از مؤلفه‌های چهارگانهٔ نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید و نه پیاده سازی کامل مدل مدّنظر است. بررسی نقاط ضعف و قوت و مهم‌تر از آن چگونگی تبدیل نقاط ضعف به قوت و تأثیر آن در فرصت‌سازی و تلاش بر آسیب‌زدایی اهمیت به‌سزایی در بررسی تحلیل دلایل پیروزی دارد. باید اشاره کرد که مسئله پژوهش از منظر روشی، رویکردی نوین دارد. هرچند که تنها مولفه‌های اصلی این مدل را به خدمت گرفته است و قصد پیاده‌سازی کامل مدل را ندارد. در پی سؤال اصلی پژوهش مبنی بر چرایی پیروزی‌های محمود غزنوی در هندوستان، این مدعا مطرح می‌شود که طرح‌ریزی جنگ‌های محمود به هند را می‌توان در چهار مؤلفه اصلی مبتنی بر نقاط قوت و ضعف، و فرصت‌ها و تهدیدهای پیش آمده پیاده‌سازی کرد. شایان ذکر است که پیاده‌سازی هر نظریه، مدل یا الگوی تحلیلی در متن یا پژوهش تاریخی، هر چند ابتکار عمل و درانداختن نگاه و روشی نوین به یک مسئله است، به همان میزان خطر عدم پوشش کلیت رخدادهای تاریخی و عدم انسجام و هماهنگی با روایات تاریخی را نیز ممکن است دربر داشته باشد. بنابراین، با توجه به این میزان انحراف که باید در نظر گرفته شود، بررسی حملات محمود از خراسان به هند در قالب این مؤلفه‌ها به گونه‌ای مستدل‌تر می‌تواند بحث حمله به هند را روشن و مسئله اصلی تحقیق مبتنی بر دلایل پیروزی‌های مکرر وی را تحلیل کند. این رویکرد، افزون بر آنکه چگونگی حملات محمود را تا حدی روشن می‌سازد، صورت‌بندی نوینی از دلایل پیروزی نبردهای مکرر محمود به هند با استفاده از مؤلفه‌های مفهومی این الگوی تحلیلی ارائه می‌کند.

پیشینه پژوهش

شایان ذکر است که آنچه تاکنون در زمینه حملات محمود به هندوستان مورد واکاوی قرار گرفته است، هر چند تحقیقاتی در نوع خود ارزشمندند، اما با پژوهش پیش‌رو، از مسئله و زاویه متفاوتی برخوردار هستند. به طور اجمالی می‌توان آنها را در چند دسته جای داد: نخست، تحقیقاتی که به صورت کتاب منتشر شده و رویکردشان به حملات محمود به هندوستان، کلی و مبتنی بر توصیف بوده است، مانند *تاریخ غزنویان*، باسورث و *غزنویان از پیدایش تا فروپاشی*، فروزانی و *حیات و اوقات سلطان محمود غزنوی* از محمد ناظم و برخی آثار دیگر که می‌توان در زمرهٔ آنها برشمرد؛ دسته دوم پژوهش‌هایی که به صورت مقاله یا پایان‌نامه صورت گرفته که رویکرد و روش آنها به موضوع حملات محمود بر اساس انگیزه‌های محمود و اهداف، تأثیر غنایم و فتوحات هند بر تقویت ابعاد و شاکله حکومت غزنوی بوده و به عنوان نمونه به تعدادی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌رود، از جمله: «سیاست خارجی سلطان محمود غزنوی» از حمید پوراحمد، «بررسی مسئله هند در سیاست غزنویان» از فاطمه امیرشکاری سلیمانی، «نقش غنایم و ثروت هند در تقویت بنیه‌های اقتصادی غزنویان» از ذکرالله محمدی، «ساختار و عملکرد سپاه غزنویان» از اسماعیل حسن‌زاده و دیگر مقالات که از ارزش تحقیقی برخوردارند، اما تمرکز اصلی آنها بر مسائل دیگری بوده است، هر چند که به حمله به هند نیز اشاره کرده‌اند؛ دسته سوم آثاری است که ارتباط محتوایی با موضوع سلطان محمود و هندوها ندارند، اما قالب‌ریزی موضوع خود را بر اساس مدل سوات صورت داده‌اند، و در بحث روش می‌توان به آنها اشاره کرد، مانند «بررسی استراتژی پیامبر اعظم (ص) در صلح حدیبیه بر اساس تحلیل سوات» اثر حسین فخاری و ناصر برخوردار، که روش این مقاله بر اساس تطبیق کامل و پیاده سازی مدل سوات در قالب صلح حدیبیه است در حالی که مبنای پژوهش حاضر بهره‌گیری از چهار مؤلفه مهم تحلیل سوات برای بررسی جنگ‌های

محمود با هندوان است و پیاده‌سازی عینی مدل و یا تکثیر کامل مدل در قالب جنگ‌ها را مدّنظر ندارد.

شناخت مؤلفه‌های مفهومی مدل سوات

واژه سوات برگرفته از سرواژه‌های قوت‌ها[1]، ضعف‌ها[2]، تهدیدها[3]و فرصت‌ها[4] به زبان انگلیسی است که در فارسی برای سهولت به آن «سوات» گفته می‌شود. تحلیل سوات یکی از ابزارهای بسیار مرسوم برای برنامه‌ریزی و تحلیل استراتژیک از طریق تطابق نقاط ضعف و قوت درون-سیستمی با فرصت‌ها و تهدیدهای برون سیستمی است. در این تحلیل به صورت نظام‌یافته نقاط ضعف و قوت درون یک مجموعه و نیز فرصت‌ها و تهدیدهای بیرونی آن، شناسایی و با تقابل آنها استراتژی مناسب برای بقا و رشد مجموعه انتخاب و طراحی می‌شود. از دیدگاه این تحلیل، یک عملکرد و استراتژی خوب و مناسب، قوت‌ها و فرصت‌ها را به حداکثر، و ضعف‌ها و تهدیدها را به حداقل می‌رساند (فخاری و برخوردار، ۱۳۹۲: ۷۶). در این تحلیل، با ارزیابی عوامل ضعف و قوت چه درونی و بیرونی از یکسو و دسته‌بندی فرصت‌ها و تهدیدهای درونی و بیرونی اثرگذار بر نتیجه آنها، به یک تصویر روشن‌تر و همه‌جانبه‌تر دست پیدا می‌کنیم. این تکنیک، نخستین بار همانطور که از محتوای آن مشخص است در سیستم‌های نظامی و سپس در مدیریت صنایع و کارخانه‌ها بکار برده می‌شد و کم کم در دهه‌های اخیر مخصوصا از ۱۹۹۰م وارد سیستم‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی شد. مهم‌ترین ویژگی سوات این است که می‌توان بدون نیاز به تحلیل‌های کمّی و محاسبات ریاضیاتی به تحلیل داده‌ها و تدوین استراتژی پرداخت در حالی‌که سایر روش‌ها و تحلیل‌ها به آمار و اطلاعات کمّی و همچنین فرمول‌های پیچیده ریاضی نیاز دارند. این تکنیک به سادگی و با استفاده از روش‌های کیفی، امکان استفاده از یافته‌ها و اطلاعات را فراهم می‌سازد (میرزاعابدینی، ۱۳۹۲). این پژوهش با عاریت از مفاهیم کلیدی این نظریه (قوت، ضعف، تهدید و فرصت) که به نوعی در هر پدیده و یا تقابل پدیدارها قابل پیاده‌سازی است، می‌کوشد دلایل پیروزی سپاه محمود غزنوی در نبرد با هندیان را با این رویکرد معلوم سازد.

الف) نقاط قوت

در هر نبردی، دسته‌ای از عوامل قوت و تأثیرگذار در تعیین سرنوشت جنگ‌ها وجود دارد که ردیابی و دسته‌بندی آنها ذیل مفهوم «نقاط قوت» به خوبی نشان می‌دهد که جبهه پیروز از چه توانایی‌ها و قابلیت‌های شخصی و گروهی و سازوکارهای مؤثری بهره‌مند بوده که توانسته است در برابر جبهه‌ی مقابل به پیروزی نائل شود. پیروزی‌های سلطان محمود غزنوی در برابر هندوها نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. سلطان محمود از مجموعه‌ای عوامل فردی، گروهی و غیره برخوردار بود که وی را در کسب پیروزی‌ها موفق کرد. در ادامه، به این عوامل اشاره می‌رود.

جایگاه مهم و منزلت نظامی محمود غزنوی، سپاه‌سالار خراسان بزرگ

نقش غلامان ترک در ساختار سپاه سامانی، به قدرت نوظهور سبکتگین در منطقه، و بعدها محمود به عنوان سپهسالار و سپس سلطان خراسان بزرگ منجر شد. چنان‌که منابع گزارش می‌دهند، محمود غزنوی در دولت سامانیان صاحب نام و جایگاه بوده است. بیهقی درباره‌ی سابقه نظامی‌گری محمود غزنوی و جایگاه فرماندهی وی در عهد سامانیان چنین اشاره می‌کند: «و بسر قصّه سپاه‌سالاری سلطان محمود، رضی اللّه عنه، از جهت سامانیان...» (بیهقی، ۱۳۷٤: ۱/ ۲٤٦). به تعبیر دقیق‌تر، محمود غزنوی با عنوان و جایگاه مهم «سپاه‌سالار خراسان» در سپاه پدرش سبکتگین به خدمت دولت سامانی اشتغال داشته است (همان: ۲۴۷/۱). افزون بر این مقام، شهرت و منزلت محمود غزنوی در دولت سامانیان، به‌خصوص در عهد امیر نوح سامانی در ادامه جایگاه و منزلت پدرش سبکتگین، تعریف شده و او به لقب «سیف‌الدوله» مشهور و شناخته شده بود (گردیزی، ۱۳٦۳: ۳۷۲-۳۷۱؛ بیهقی، ۱۳۷٤: ۱/ ۲٤۷).

1. Strengths
2. Weaknesses
3. Threats
4. Opportunities

نقش مهم و قابلیت نظامی محمود در فتوحات پدرش سبکتگین در برابر هندوها

همانطور که منابع اشاره دارند نخستین درگیری‌های غزنویان با هندوها در عهد امیر البتگین و سبکتگین پدر محمود اتفاق افتاده که قاعدتا محمود هم به عنوان سپاه‌سالار، فرماندهی سپاه پدرش سبکتگین در برابر هندوها را برعهده داشته است. عتبی و شبانکاره‌ای در مورد حضور نظامی سلطان محمود و شجاعت وی در زمان نبردهای پدرش سبکتگین و همچنین تأثیری که در نبرد سپاه سبکتگین با جیپال یکی از پادشاهان هند گذاشته، روایت‌هایی ذکر می‌کنند که به نوعی نشانگر شجاعت جنگی و نقش وی در نبردهای سپاه پدرش سبکتگین با هندوها است (عتبی، ۱۳۷۴: ۲۸-۲۹؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۴۲/۲). افزون بر حضور و شجاعت محمود در جنگ‌ها باید از مدیریت نظامی محمود در نقش فرماندهی سپاهیان پدرش سخن گفت. او به عنوان جانشین امیرسبکتگین در نبرد با جیپال همراه بوده به‌گونه‌ای عمل کرده که در نهایت جیپال حاضر به مصالحه و پرداخت فدیه می‌شود، که نقش محمود غزنوی به عنوان مذاکره‌کننده نظامی و مدیریت وی برای کسب بیشترین غنیمت از طریق صلح با فرمانروای هند تعیین‌کننده و مهم تعریف شده است (عتبی، ۱۳۷۴: ۳۱-۳۰).

حضور فیزیکی و انگیزشی سلطان محمود به عنوان «فرمانده غازی»

سلطان محمود در جنگ‌ها، نقش فرماندهی و سپهسالاری سپاه را برعهده داشت. این امر گاه به صورت حضور فیزیکی در نبردها و گاه اعلام فرامین از پایتخت انجام می‌گرفت (ناظم، ۱۳۷۸: ۱۲۱). سروده فرخی سیستانی درباره حضور شجاعانه محمود در جنگ‌ها و حمایت و ترغیب سپاهیان مؤید این امر است: «هر که چون محمود پشتی دارد اندر روز جنگ/چون سرلشکر مقدم باشد اندر کار زار/ لشکر او پیش دشمن ناکشیده صف هنوز/ او به تیغ از لشکر دشمن برآورده دمار/ من ملک محمود را دیدستم اندر چندین جنگ/پیش لشکر خویشتن کرده سپر هنگام کار...»(فرخی سیستانی، ۱۳۱۱: ۵۷). اگرچه روشن است که ادبیات گفتاری فرخی طبق مقتضیات زمانه و جایگاه درباری وی سبکی ستایش‌گرانه است، اما در ژرف ساخت این ابیات، درون‌مایه واقعیت تاریخی به نمایش گذاشته شده است، یعنی، حضور فیزیکی و فرماندهی شجاعانه محمود در نبردها با هندوها به عنوان غازی مسلمین. بنابراین شهرت محمود غزنوی به عنوان رهبر جنگی، موجب جذب دسته‌های بسیاری از سربازان و داوطلبان از خراسان و ماوراءالنهر و عرب و ترک و کرد و حتی هندی شده بود. این امر در حالی که بر قدرت سپاهیان او می‌افزود، موجب می‌شد از یکسو در صورت مدیریت صحیح، رقابتی سالم بین هر دسته به وجود آید و از سوی دیگر اختلاف قومی وابستگی سپاه غزنوی به یك گروه را بی‌اثر کند (فرای، ۱۳۷۹: ۱۶۳/۴.۱۶۲).

سپاه تابع غزنوی و پیشبرد حملات سلطان محمود

منابع در مورد تبعیت و گوش‌به‌فرمانی سپاهیان در گردهم آمدن و استقامت در مسیر سرزمین‌های هند و فتوحات و قلعه‌ستانی در آن دیار اشاراتی کرده‌اند که البته این مهم با حضور نظامی و نقش محمود در فراخوانی و قرار گرفتن در قلب سپاه تکمیل می‌شد و تمامی نیروها با اتحاد و انگیزه‌های مادی و معنوی به حملات، تشویق و هدایت می‌شدند. چنانکه هندوشاه گزارشی درباره رابطه انگیزشی محمود با سپاهیانش در جریان رویارویی او با بجیراو فرمانروای بهاطیه به دست می‌دهد که در صحنه نبرد، سپاه غزنوی پس از سه روز محاصره، توسط سلطان محمود مورد تشویق قرار می‌گیرند که این امر موجب شد سپاهیان با همدلی و یکپارچگی بیشتر به تداوم و فتح قلعه همت گمارند (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۷: ۸۱/۱). البته ناگفته نماند که علاوه بر نقش اقتدار سلطانی و فرماندهی جنگی سلطان محمود در همکاری تام و تبعیت سپاهیان در زیر لوا و دستورات جنگی وی، باید از مدیریت سیستم نظامیان و کنترل آنان با تقابل و ایجاد فضای رقابتی و حذفی دسته‌های نظامی با صلاحدید و رأی نظامی سلطان محمود سخن به میان آورد. شاهد این سخن را باید از زبان مؤلف *قابوس‌نامه* سراغ گرفت. عنصرالمعالی کیکاوس در خلال اندرزهایش به پسرش، از واقعیتی تاریخی در مورد سلطان محمود سخن می‌گوید که حاکی از بینش سیاسی محمود غزنوی در کنترل و متابعت کردن سپاهیان است، وی در این باره می‌نویسد که سلطان محمود «... چهار هزار غلام ترک داشتی بسرای دایم و چهار هزارهندو، دایم ترکان را بهندوان ترسانیدی و

هندوان را بترکان تا هر دو جنس از یك دیگر ترسان بودندی و مطیع» (عنصرالمعالی کیکاووس، ۱۳۸۳: ۲۳۴-۲۳۳؛ عتبی، ۱۳۷۴: ۲۸۵). به این ترتیب، سلطان محمود با استفاده از عناصر گوناگون نژادی در سپاه غزنوی، از یکسو از توانایی‌هایی نظامی و قابلت‌های حرفه‌ای هر دسته بهره می‌برد و از سوی دیگر از احتمال اتحاد خطرآفرین سپاهیان پیشگیری می‌کرد (فروزانی، ۱۳۹۱: ۳۷۵).

اقتصاد جنگی؛ تأمین ملزومات برای سفرهای طولانی جنگی

سپاه غزنوی برای سفرهای طولانی مدت خود به «هزینه‌های تشکیلات مقدمات خدمات فرعی، ترتیب آذوقه‌ی سپاه، حمل و نقل تجهیزات ویژه» و موارد دیگر نیاز داشت (باسورث، ۱۳۷۸: ۶۳). منابع در زمینه تدارکات و پشتیبانی جنگی حملات محمود به هند، کمتر سخن به میان آورده‌اند. با وجود این، از لابلای سطور می‌توان دریافت که سلطان غزنوی برای تجهیز و تدارکات سپاهیان در برابر هندوها اندیشه و تدارک‌های لازم را از پیش انجام می‌داد و یا سپاهیان در حین جنگ با استفاده از غنایم به دست‌آمده، تدارکات خود را تقویت می‌کردند، که این مهم سهم به‌سزایی در نتایج پیروزی‌های جنگ‌ها داشته است؛ چنانکه در یکی از سفرهای جنگی سلطان محمود به سمت مولتان که مجبور بود از مسیر بیابان عبورکند، سپاه غزنوی برای تدارکات این سفر، آب و علوفه برای چندین روز ذخیره کرده بودند. افزون بر این، سلطان محمود دستور داد بیست هزار شتر برای آب و آذوقه ملازمان موکب تدارک دیده شود تا سختی مسیر راه بر سپاهیان و ملازمان وی فشار وارد نیاورد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۲/۳۸۲). در موضوع اقتصاد جنگی نیز این مطلب را افزود که علاوه بر تدارکات از پیش تعیین شده برای سفرهای جنگی، تدارکات افزودنی حین سفر و استفاده از آذوقه هر منطقه پس از فتح یا صلح پیش بینی می‌شده است، چنانکه در گزارشی از گردیزی دربارهٔ یکی از سفرهای جنگی سلطان محمود به شهر نهرواله، وقتی سپاهیان سلطان محمود به شهر نهرواله رسیدند، اهالی و فرمانروایان شهر که توان رویارویی را در خود نمی‌دیدند، پیش از رسیدن سلطان محمود و سپاهیانش، شهر را خالی کرده و فرار را بر قرار ترجیح داده بودند. سلطان محمود به‌محض رسیدن و مشاهده این وضعیت، دستور داد از آذوقه و علوفه منطقه ذخیره بردارند و برای ادامه مسیر، یعنی عزیمت به منطقه سومنات، همت گمارند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۱۲).

توان کارآمد در عملیاتی کردن تاکتیک‌های نظامی در برابر هندوها

استراتژی و مهارت در فن قلعه‌گیری؛ محاصره و عقد صلحنامه یا حمله یکجانبه: در آن زمان هندوستان به لحاظ جغرافیایی و پراکندگی مراکز قدرت، در هر منطقه قلاع محکم و متعدد داشت؛ چنانکه دربارهٔ حملات محمود به سرزمین‌های هند گزارش شده است که وی قلاع زیادی را با مهارت و تکنیک‌های نظامی فتح کرد.

در واقع سلطان محمود و لشکریانش در مورد قلاع هندوها دو موضع در پیش می‌گرفتند:

تاکتیک نخست آنکه آنها در صورت مشاهده استحکامات شدید هر قلعه و شرایط و مختصات جغرافیای آن و متعاقب آن مطمئن نشدن در عاقبت جنگ، دست به عمل شتابزده نمی‌زدند، بلکه به محاصره قلعه روی می‌آوردند تا رقیب هندو عرصه را خالی کند یا به مصالحه و عقد قرارداد و جریمه مجبور شود. روایت‌های گردیزی درباره‌ی عقد صلحنامه سلطان محمود با اهالی قلعه‌های «گوالیار و ننّدا» را شاهد گونه نخست می‌توان ذکر کرد (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۰۲-۴۰۳).

گونه دوم، تاکتیک محمود در قلعه‌ستانی از هندوها به صورت حملات یکجانبه بوده است. این عملکرد وی از یک‌سو به تخمین توان نیروی طرفین و پیش‌بینی پیروزی در جنگ‌ها منوط بوده و از سوی دیگر به منطقه و قلعه بستگی داشته است که معابد و ثروت هنگفت داشته باشد. بعد از آن، سلطان دستور به حمله یکباره و یا محاصره می داده و سپس به حمله همه‌جانبه اقدام می‌کرده است. در تاکتیک دوم، «حمله» در دستور کار اصلی قرار داشت. عملکرد دوم در روایت‌های متعددی گزارش شده است، ازجمله روایت‌های میرخواند در باب سفرهای جنگی سلطان محمود به «غزوات قنوج و فتوح سومنات» می‌تواند شاهد مناسبی برای این گونه عملکرد باشد (میرخواند، ۱۳۸۰: ۲/ ۳۸۳-۳۸۲).

استفاده از فیل و نیروی فیلبان در حملات: در میان سلسله‌های اسلامی در ایران، غزنویان نخستین دودمانی بودند که در جنگ‌ها از تعداد زیادی فیل استفاده می‌کردند و در

تدابیر جنگی خود برای نقش فیل و فیلبانان، جایگاه معینی درنظر گرفته بودند. البته باید اشاره کرد که استفاده نظامی و تشریفاتی غزنویان از فیل‌ها و کسب مهارت و راهبردهای فیلبانی، در نتیجه حملات به سرزمین‌های هندوستان بوده است (باسورث، ۱۳۷۸: ۱۱۵-۱۱۴). درواقع فیل‌ها هم به لحاظ نظامی در نبردها به کارگرفته می‌شدند (استفاده فیل‌ها برای تضعیف روحیه نیروهای سپاهیان دشمن، پراکندن سواره نظام دشمن با ترساندن اسب‌های آنان و ساختار مناسب فیل‌ها برای نبرد بر روی آنان) و هم به لحاظ پشتیبانی و امر تدارکات و سفرهای جنگی از آنها استفاده می‌کردند (از جمله استفاده از فیل‌ها در حمل و نقل زرادخانه و تجهیزات سنگین نظامی) (باسورث، ۱۳۷۸: ۱۱۸-۱۱۴). شایان ذکر است که نقش و موقعیت فیل‌ها در میدان‌های جنگی به‌مثابه قلعه‌های متحرک در خطوط مقدم سپاهیان غزنوی در برابر رقیب هندوها بوده است؛ و رئیس این دسته را در ترتیبات نظامی «مقام فیلبانان» می‌گفتند. طبق ملاحظات جنگی محمود با هندوها، حضور این دسته‌های فیلبانان در سپاه، خود مرهون هندوها بوده است؛ چنان‌که بیشتر فیل‌ها از غنیمت یا هدیه امرای هندی به دست آمده و حضور نیروی فیلبانی در سپاهیان نیز بیشتر در دست هندوهای تحت فرمان محمود بوده است (جیلانی‌جلالی، ۱۳۵۱: ۱۲۸-۱۲۷).

عبور از رودخانه‌های پرآب مناطق هندوستان: هندوستان به لحاظ شرایط اقلیمی و جغرافیایی، دریا و رودخانه‌های فراوانی داشته که در زمان حملات محمود غزنوی به آن مناطق، طبیعتاً گذر از آب‌ها یکی از مشکلات پیش روی وی بوده است. روایت‌های گوناگونی اشاره کرده‌اند که سپاهیان سلطان محمود با سختی فراوان، از آب رودخانه‌ها و دریاها عبور می‌کردند تا به مناطق مورد هدفشان در سرزمین‌ها برسند. از سوی دیگر، بیشتر قلاع هندوها، برای افزایش امنیت و دسترسی سخت‌تر نیروی دشمن و نیز امکان برخورداری از آب و سرسبزی منطقه جهت تدارکات و تغذیه ساکنان، کنار رودخانه‌ها ساخته شده بودند. بنابراین، برای فتح چنین قلاعی، عبور سپاهیان از رودخانه‌ها اجتناب‌ناپذیر بود. نمود چنین شرایطی، در روایت‌های گردیزی و ابن اثیر گزارش شده است. آنان درباره‌ی فتح قنوج توسط سلطان محمود به شرایط اقلیمی و مشقت‌بار عبور سپاهیان غزنوی از رودخانه‌های پر آب و خطرناک منطقه اشاره می‌کنند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۹۷؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۲/ ۵۱). فرخی سیستانی نیز درباره‌ی فتح سومنات، و سختی‌ها، مسافت‌های طولانی و مشقت گذشتن از رودخانه‌های پر آب سرزمین هند چنین می‌سراید: «...بسومنات شد امسال و سومنات بکند/در اینمراد بپیمود هشتاد منزل/بره ز دریا بگذشت و آب دریا را/چون آب جیحون بیقدر کرد خسروراد...» (فرخی‌سیستانی، ۱۳۱۱: ۳۶).

برخورداری از کشتی‌های جنگی و مهارت کشتیرانی و نیروی دریایی: بنابر آنچه در مورد عملکرد سلطان محمود بیان شده است، وی در برابر قلاع و مناطقی که در آن‌سوی رودخانه‌ها یا در کنار رودخانه قرار داشتند، از آب‌ها گذر می‌کرد. منابع، بارها از استفاده و برخورداری وی از صنعت کشتی‌سازی و کشتی‌رانی برای فتوحات اشاره کرده‌اند. گردیزی درباره فتح مولتان توسط سلطان محمود مواردی را ذکر می‌کند که این توانمندی وی را به خوبی نشان می‌دهد، از جمله: استفاده سلطان محمود از کشتی برای فتوحات در مناطق پرآب، برخورداری از نیروهای جنگی دریایی، بهره‌مندی از صنعت ساخت کشتی و نیروهای سازنده کشتی، تجهیز کشتی به ابزار و ادوات جنگی برای مقابله دریایی، استفاده از افراد با تجهیزات تیر و کمان و سپر و قواریر نفتی[1] برای حملات دریایی به کشتی‌ها و قلعه‌ها (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۱۵-۴۱۴).

برخورداری از انجمن مشاوره در دربار

در ساختار قدرت غزنویان، «شورای جنگ» به عنوان انجمن برای شور در مسائل نظامی و دیوانی، تعریف شده بود. سلطان محمود و مسعود در هنگام جنگ و مواقع مهم دیگر، دستور تشکیل شورای جنگ می‌دادند (حسن‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۸). سلطان محمود در عین مطلق‌العنانی، فرمانروایی مصلحت‌اندیش بود. وی در مسائل سرنوشت‌ساز سیاسی

۱. از ابزارها و سلاح‌های جنگی است که به شکل ظرف‌هایی مشتعل به نفت برای پرتاب و سوزاندن قلعه ها و حصارها و کشتی‌های دشمن استفاده می‌شد (جرجی‌زیدان، ۱۳۷۲: ۱/ ۱٦٤)؛ نفت‌انداز.

و نظامی، از جمله نبردها، به نظرهای «اندیشه‌ورزان سیاسی و نظامی» توجه می‌کرد و تدابیر نظامی و سیاسی آنان را در راه برآورده شدن اهداف خود به خدمت می‌گرفت (فروزانی، ۱۳۹۱: ۳۷۵)؛ چنان‌که پس از فتح سومنات، برای گماشتن فرمانروایی برای منطقه، با صاحب دیوانیان و اصحاب حکومتی شور کرد و نظر آنان را جویا شد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳۸۳/۲). البته باید اذعان کرد که این مجلس شورا که متشکل از صاحب منصبان لشکری و کشوری بود بیشتر در مواقع حساس برای «تأمل و مشورت بود» وگرنه «سلطان در رد و قبول آرا مختار» و مستقل بود و تنها عنایت وی به مشاوره بزرگان این مجلس در حد شنیدن و اعتنا به حرف‌های قابل قبول از نظرگاه خود بود (ناظم، ۱۳۷۸: ۱۲۳؛ برای مطالعه بیشتر، ر.ک: حسن‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۸).

کثرت تعداد سپاهیان غزنوی در حملات به سرزمین هند

سلطان محمود برای حملات خود به سرزمین هند، همه‌ی توان نیروی نظامی خود را به‌کار می‌گرفت.؛ به طوری که علاوه بر سپاه غزنوی، از سایر گروه‌ها نظیر مطوعه (که با شوق جهاد به سپاه سلطان پیوسته بودند) تا دسته و قبایل ترکان غز، افغانی، هندو، اعراب، کردان، سگزیان و غیره استفاده می‌کرد. در واقع سلطان محمود ضمن به‌کارگیری عده بسیاری از نیروهای نامتجانس و ناهمگون برای حمله به هند، از تمامی ظرفیت‌ها برای افزایش نیروهای نظامی بهره می‌گرفت تا برای مسیری طولانی، سپاهی زیاد با خود داشته باشد که در صورت تلفات احساس کمبود نیرو نکنند. از سوی دیگر، سلطان محمود برای ترس و دلهره انداختن در دل رقبا و در نتیجه کاهش استقامت و تسلیم دشمن، سپاهی با تعداد زیاد را در برنامه عملیاتی خود قرار می‌داد؛ چنان‌که فرمانروای هندو «قلعه برنه» از کثرت سپاهیان سلطان محمود آگاه شد، با ده هزار نیرو به خارج قلعه آمد و تظاهر به اسلام کرد و تسلیم شد (عتبی، ۱۳۷۴: ۳۷۹).

ب) نقاط ضعف

همانطور که نقاط قوت طرفین در پیروزی جنگ‌ها، تأثیری سرنوشت‌ساز دارد، به همان میزان، نقاط ضعف نیروهای درگیر در نتیجه نبردها تأثیرگذار است. که در مورد حملات سلطان محمود به سرزمین‌های هند نیز نقاط ضعف در جایگاه سلطانی و وجهه مذهبی-اجتماعی وی و عوامل اجرایی و شرایط جغرافیایی، اداری، نظامی می‌توانست وی را در نبردها با مشکلات روبه رو سازد. در زیر به پاره‌ای از مهم‌ترین نقاط ضعف سلطان محمود و عوامل اجرایی وی در رویارویی‌ها با هندوها اشاره می‌شود:

نبود سیستم و دولت جانشین مقتدر در غزنه

این عامل در بسیاری از حملات باعث شد محمود از صحنه نبرد با هندوان عقب‌نشینی کند و به قلمرو خود بازگردد. در واقع منشأ چنین پیشامدهایی را باید در عملکرد محمود ردیابی کرد، چنان‌که وی به جای تقویت نیروی داخلی نظامی و ایجاد دستگاه و دیوان نیرومند در دربار غزنه و نشاندن یک فرد متعهد و مقتدر به عنوان جانشین خود، با ارجحیت دادن به حمله به هند همه‌ی توان و نیروی نظامی خود را به صحنه جنگ‌ها و عرصه فتوحات آنجا می‌کشاند. شاید احتراز از این امر به دلیل ترس از دست دادن موقعیت خود بوده است؛ چرا که جانشین قدرتمند می‌توانست جایگاه وی را به‌خطر اندازد. در هر حال، در مواقعی که سلطان در حساس‌ترین صحنه‌های جنگی، احساس خطر یا تهدید می‌کرد، به جای حل معضل و کشف نقطه ضعف و ترمیم آن، به سخت‌ترین تصمیم و عمل یعنی «برگشت به پایتخت و سرکوب شورشیان داخلی یا دشمنان خارجی» اقدام می‌کرد؛ مانند زمانی که سلطان محمود مشغول فتح نواحی مولتان و نواحی اطراف آن بود، و در حین آن خبر حمله ایلک‌خان قراخانی به خراسان به او رسید و مجبور شد به غزنین بازگردد (ناظم، ۱۳۷۸: ۹۳-۹۲).

فقدان جایگاه خاندانی سلطان محمود

مسئله جانشینی محمود در زمان پدرش سبکتگین به چالش افتاد و او در وهله نخست به عنوان جانشین و سلطان آینده حکومت غزنوی از جانب پدرش انتخاب نشد، و اسماعیل برادر کوچک‌تر -که از جانب مادر منزلت بیشتری داشت- به جانشینی برگزیده شد. افزون بر این، مقبولیت اجتماعی امرای غزنوی در میان مردم مورد تردید بود. آن‌ها در نظر مردم، بیشتر به عنوان سربازان و غلامان ترک نومسلمان در دربار سامانی شناخته می‌شدند که هیچگونه ارتباط نسبی از شاهان سلسله‌های ایرانی نداشتند. از این رو، برخی منابع

رسمی و درباری برای افزایش اعتبار و مقبولیت اجتماعی آن-ها همچون سامانیان، آل بویه، زیاریان به «نسب‌سازی» و «تبارسازی» برای خاندان غزنوی دست زدند و قبیله ترکی برسخان آنان را در پیوند با شاهزادگان ایرانی ذکر نمودند و شاهان غزنوی را از تبار و ریشه آخرین پادشاه ساسانی یزدگرد سوم معرفی کردند (باسورث، ۱۳۷۸: ۳۸).

نداشتن پایگاه مذهبی و ایرانی؛ کسب عنوان دینی غازی خاندان غزنوی

روشن است پایگاه حکومتی محمود غزنوی به‌عنوان غلام‌سپهسالاران ترک تازه مسلمان، و مهارت ایشان در امور نظامی بوده است. آنها از سابقه دینی، نسب به خاندان عباسی و یا ریشه‌های خاندانی و سلسله‌ای ایرانی برخوردار نبودند. لذا این نقاط ضعف بایستی با ایجاد فرصت‌هایی که غزا در سرزمین‌های کفر می‌توانست به ایشان وجهه دینی، افزون بر وجهه نظامی بخشد جبران شود. از این رو، همسو با نظر خلیفه القادربالله در قلع و قمع مخالفان داخلی و غزوات با دارالکفار هند به کسب خلعت، لوا و به عنوان غازی در سرزمین‌های دارالکفر مشهور شدند. با کسب این عنوان، و پیدا کردن وجهه دینی افزون بر مشروعیت ناشی از فرمان خلیفه، امکان بهتری برای پرکردن خلأهای حق حاکمیت خود ایجاد کردند.

پایبندی سپاه و نبود ارتش یکپارچه

به نوشته باسورث، ارتش غزنویان، ارتشی مزدبگیر بود و می-بایست پیوسته مشغول باشد و نمی‌توانست در ایام فترت میان سفرهای جنگی، از کار نظامی خود دست بکشد و به استراحت یا کارهای دیگر بپردازد از این نظر ارتش غزنوی می-بایست مدام از طریق مستمری حاصل از مالیات‌ها و همچنین غنایم جنگی فعال عرصه جنگ نگه داشته می‌شد. (باسورث، ۱۳۷۸: ۷۵-۷۴). بنابراین سلطان محمود در فتوحات خود در هند، از یک سپاه منسجم و یکدست غزنوی برخوردار نبوده و بیشتر سپاهش متشکل از دسته‌های غزنوی، گروه‌های نظامی مزدور، نیروهایی از قبایل، دسته-های فراخوانده شده و مطوعه به انگیزه جهاد و شهادت بوده و به همان میزان که از توانایی‌های گوناگون آنان بهره می‌برد، می‌توانست نقطه ضعفی برای لشکرکشی‌هایش نیز به حساب آید. چرا که هرگونه توقف در فتوحات یا چنددستگی در عزم فتوحات ممکن بود در شکل‌گیری این سپاه فراخوانده شده، اختلال و آسیب وارد کند.

ج) فرصت‌ها

پس از بررسی نقاط قوت و ضعف که عوامل درونی را مدّنظر قرار می‌دهد، امکانات و فرصت‌های بیرونی نیز وجود دارند که بسته به شرایط و توان افراد در به کارگیری آنها می‌توانند مثبت عمل کنند. با توجه به گزارش‌های تاریخی روشن است، سلطان محمود و مشاورانش به فرصت‌های داخلی و خارجی پیرامون خود واقف بوده‌اند. در ادامه نشان داده خواهد شد که او با عملکرد فرصت‌شناسانه از امکانات تاریخی، محیطی، مذهبی، اقتصادی و ابعاد دیگر به درستی توانسته سرنوشت جنگ‌ها را در کمترین زمان ممکن به سود خود رقم زند.

ظرفیت پیام «جهاد و غزا با دارالکفر»؛ فراخوانی و انگیزش

محمود در جنگ‌های متعدد خود در برابر هندوها از پیام جذاب دینی «جهاد با کفار» برای پیشبرد حملاتش نهایت استفاده را می‌کرد. چنانکه او برای فتح «نواحی مهره و قنوج» هندوستان، از پیام انگیزشی جهاد استفاده کرده و برطبق همین روال و دعوت به غزای دارالکفار هند، بیست هزار نیروی جنگی از جان گذشته موسوم به مطّوّعه را در سپاه خود گرد آورد (عتبی، ۱۳۷۴: ۳۷۷). همچنین شبانکاره‌ای درباره زیرکی محمود در پیام جهادی سر دادن در سراسر بلاد جهان اسلام برای رویارویی با جیپال اشاره کرده که پس از دعوت سلطان محمود به غزا با هندوها، جمعیتی بالغ بر سی هزار نیروی جنگی و از سوی دیگر بیست هزار نیروی غازی از بلاد اسلامی به دعوت جهاد وی در برابر جیپال لبیک گفتند. (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲/ ۴۸) افزون بر این خواندمیر در روایت‌هایی از عزم سلطان محمود با نیروهای «سپاه خاصه و بیست هزار نفر مردم مطبوعه» برای امر جهاد با کفار هندو؛ و در مورد تأثیر تبلیغات جهادی و غزا با دارالکفار هند از سوی دستگاه محمود و خلافت عباسی برای فتح سومنات با «سی هزار سوار غیر از جماعتی که جهة احراز مثوبه غزا بشوق خود متوجه بودند» سخن می‌گوید (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۲/ ۳۸۱-۳۸۲).

بهره‌برداری از مشروعیت دینی خلافت عباسی

سلطان محمود برای تقویت جنبه مذهبی و صبغه معنوی بخشیدن به حملاتش در هندوستان، از فرصت مشروعیت‌ساز دستگاه خلافت برای خود بهره بسیار برده است. او از همان ابتدا با خلیفه القادربالله مناسبات حسنهٔ دوسویه برقرار کرد، به طوری که در نخستین مراحل شکل‌گیری مناسبات فیمابین، القادر -خلیفه بغداد- پس از حمایت سلطان محمود و تصرف خراسان و بلخ، فرستاده‌ای با «لواء و خلعت فاخر و تاج» و القاب «یمین الدوله و امین المله...» نزد محمود فرستاد (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۸۱؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲/۵۱). پس از این روابط اولیه با ظاهر دوستانه بود که محمود به خوبی با ارائه چهره تابع نسبت به دستگاه خلافت و تظاهر به شعائر اسلام و سنت غزای پیامبر اسلام(ص)، درپی دریافت لوا و القاب از خلیفه، به تأیید و تشویق او برای ادامه فتوحات و غزا با کفار هندو و مخالفان دستگاه خلافت همت گمارد (تاریخ یمینی، ۱۳۷۴: ۱۸۲؛ مجمع الأنساب، ۱۳۸۱: ۲/۵۱). درواقع، فرمانروایان غزنوی و از جمله شخص سلطان محمود نمی‌توانستد قدرت و نفوذ دستگاه خلافت عباسی را نادیده بگیرند، به طوری که برای پیشبرد اهداف توسعه‌طلبانه و آرمان‌ها و مقاصد و مطامع خود از پشتیبانی دستگاه خلافت بهره گرفتند (مددی، ۱۳۵۶: ۶۸).

استراتژی دوسویه در مناسبات سیاسی سلطنت و خلافت

سلطان محمود برای تأیید و پشتیبانی دستگاه خلافت از فتوحاتش در سرزمین‌های هند، به مناسبات دوسویه و متقابل درجهت رضایت و همراه‌نگاه‌داشتن دستگاه خلافت اقدام می‌کرد. سلطان محمود برای عملیاتی‌کردن این استراتژِی، برنامه‌ها و راه‌های گوناگونی پیاده کرد. او برای حمله به مناطق شرقی خلافت و دارالکفر هند، از سویی در همسویی با خلافت، موضع سرسختانه‌ای علیه مخالفان دستگاه خلافت اتخاذ کرد، و از سوی دیگر با فرستادن هدایا و غنایم جنگی از غزای دارالکفر هندوستان به محضر خلیفه بغداد، مهر تأییدی بر عملکرد مجاهدانه خود دریافت کرد. شاهد مورد نخست را در نزاع‌های دو مرحله‌ای سلطان محمود با قرامطه مولتان هند می‌توان مشاهده کرد که سلطان محمود در «غزوه مولتان» علاوه بر غنایم و مطامع مادی خود به سرکوب قرامطه و مخالفان سیاسی و مذهبی دستگاه خلافت اقدام کرد (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۹۱؛ عتبی، ۱۳۷۴: ۲۷۹-۲۷۸). در مورد دوم، سلطان محمود با ارسال هدایا و غنایم حاصل از فتوحات به بغداد، هم سیاست همسویی و متابعت خود را نشان داد و هم به طور ضمنی مهر تأییدی برای پیشبرد فتوحات بعدی خود کسب کرد. شاهد مورد دوم در گزارش *مجمل‌التواریخ* ذکر شده است مبنی بر اینکه سلطان محمود «...همیشه مکاتبت داشتی با دارالخلافه و تعظیم ایشان به واجبی کردی. و بدین فتح نامه‌یی نوشت به قادر، سخت نیکو...» (ابن شادی اسدآبادی، ۱۳۷۸: ۲۹۶).

فرصت‌سنجی محمود و تداوم سیاست پدرش؛ «غزا با دارالکفار هند»

با توجه به گزارش‌های منابع، درگیری‌های غزنویان با هندوها از دوره سبکتگین و پیش از آن البتگین آغاز شده بود. محمود نیز در غزوات زمان پدرش سبکتگین شرکت داشته است. چنان‌که عتبی در تأیید حضور نظامی محمود غزنوی در سپاه پدرش سبکتگین در برابر جیپال فرمانروای هندو اشاره دارد (یمینی، ۱۳۷۴: ۲۹-۲۷). بنابراین، محمود غزنوی با این سابقه حضور در غزا با دارالکفار هند از زمان پدرش، به محض دستیابی به قدرت، البته پس از پنج سال از جلوس خود که مشغول قلع‌وقمع دشمنان داخلی و سران سپاه سامانی و ایلك خان و امیر خلف مشغول بود، سیاست پدرش را با هجوم به سرزمین‌های هند در پیش گرفت و با سرعت و دفعات بیشتری آن را تداوم بخشید (ناظم، ۱۳۷۸: ۸۱)؛ به‌طوری که به‌جز پنج سال نخست و پنج سال آخر زمامداری‌اش که درگیر بحران‌ها و حملات عراق و خراسان و اهمیت یافتن خطر ترکان سلجوقی بود و نمی‌توانست در این دو مقطع زمانی با فراغ بال متوجّه هندوستان باشد، در بقیه ایام سلطنتش کمتر سالی بوده است که به غزای هند نرود و فتح و غنیمتی تازه به‌چنگ نیاورد (پیرنیا و اقبال، ۱۳۸۰: ۲۶۰). محمود اگرچه فرمانروای نامجویی بود که تلاش برای فتوحات و گسترش متصرفات را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده بود، اما در عین حال فردی واقع‌بین بود و از اینکه اقدامی انجام دهد که نتیجه غیرقابل پیش‌بینی داشته باشد، حذر می‌کرد. به همین دلیل سلطان محمود در اوایل

حکومتش در مورد حمله به هند عجولانه عمل نکرده است (فروزانی، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

آگاهی از پراکندگی مراکز قدرت هندوستان

سرزمین هندوستان در هنگام حملات محمود غزنوی، فاقد یک ساخت سیاسی متمرکز و یکپارچه بود و از هر گوشه و کنار، یک فرمانروا و یا شاهزاده در قلاع و معابد خویش صاحب قدرتی محلی بودند. وجود این شرایط در سرزمین هند، از موقعیت رقابت‌آمیز با چالش‌ها و منازعات طولانی مدت در بین فرمانروایان محلی و بومی هند حکایت داشت. سلطان محمود با آگاهی از این موضوع، به خوبی از این فرصت استفاده و حملات خود را تجدید می‌کرد و پیش می‌برد. در واقع می‌توان گفت پیروزی‌های غزنویان در برابر هندوها پیش از آنکه نشانگر برتری نظامی محمود باشد، مرهون ازهم‌گسیختگی سیاسی حکومت‌های محلی، ضعف حکمرانان سلسله هندوشاهیه و منازعات درونی فرمانروایان محلی بوده است (حسن‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۳۰)؛ آن‌چنان‌که در صحنه‌های حملات سلطان محمود به سرزمین هند، تلاش مؤثر اتحادگونه میان فرمانروایان منطقه صورت نمی‌گیرد و در نتیجه مقابلهٔ یکپارچه در برابر محمود رخ نمی‌دهد. نمود چنین موقعیتی را در «فتح مهره و قنوج» می‌توان مشاهده کرد که از یک سو، سلطان محمود با سپاهیان و موکب خود برای حمله به سوی سرزمین‌ها و قلاع هندی عزیمت می‌کند و از سوی دیگر فرمانروایان مناطق محلی به جای اتحاد و همبستگی منطقه‌ای و ملی، یا مانند فرمانروای جندپال در برابر حمله سلطان محمود قلعه را تسلیم می‌کنند و می‌گریزند یا مانند جنداری و بروجیبال که در میان خود چنان مناقشه و مخاصمهٔ جدی دارند که آن را مهم‌تر از اتحاد علیه سلطان محمود می‌دانند، حتی اگر به شکست آنان منجر شود. در نقطهٔ مقابل، آگاهی نظامی سلطان محمود از مخاصمات میان فرمانروایان هندی (عتبی، ۱۳۷۴: ۳۸۴-۳۸۳) و غنیمت شمردن این فرصت بیرونی حاکم بر مناسبات درونی منطقه موجب می‌شود او حملاتش را با موفقیت به سرانجام برساند.

موقعیت‌سنجی و شناسایی شرایط منطقه‌ای و جهان اسلام

با توجه به پراکندگی قدرت‌های محلی هندوها و مناسبات خصومت آمیز آنها، سلطان محمود بهترین گزینه را در پیشروی به سرزمین ثروتمند و پراکنده هندوستان و فتوحات در آنجا می‌دید. اما بهانهٔ مناسبی برای فتوحات در غرب و جنوب غرب نداشت، چراکه حدود قلمرو خلیفهٔ بغداد به‌حساب می‌آمد و با توجه به رابطه تابعانه و حسنه سلطان محمود با القادربالله، این قضیه ناممکن می‌شد. از سوی دیگر، حمله به شمال، به‌دلیل راه‌های کوهستانی و صعب العبور و نبود اطلاعات کافی برای حمله به‌آن مناطق، مقرون به صرفه نبود. فتوحات بخش شمال شرق و شرق نیز به دلیل حضور قبایل چادرنشین ترکان غز و تغزغز، منفعتی دربر نداشت (سلیم، ۱۳۸۳: ۱۲۹). از این رو، با توجه به چینش محاسبات نظامی، اقلیمی و موقعیت‌سنجی، مناسب‌ترین گزینه، حمله به هند، به‌عنوان دارالکفر بود، که باید آن را نوعی اعلام موجودیت با اقتدار نهاد سلطنت در جهان اسلام دانست؛ و با سلطان محمود، نخستین سلاطین اسلام ظهور پیدا کردند.

تدابیر دوسویه نظامی؛ کسب منافع حداکثری

سلطان محمود در نبردهای خود با هندوها، از یک سو اصل مصالحه و مذاکره برای دریافت بیشترین سود و کمترین خسارت به سپاهش را خط‌مشی قرار داده و از سوی دیگر به کارگیری اقدامات سرکوب‌گرانه و ویران‌کننده در فتوحات برای ایجاد ترس نظامی و تضعیف روحیه هندوها برای ازکارانداختن اندیشه استقامت را در دستور کار خود قرار داده بود.

تدابیر راهبردی دوگانهٔ سلطان عبارت بود از:

درپیش‌گیری رویه انعقاد قرارداد و صلحنامه: یکی از اصول و راهبردهای اصلی سلطان محمود، مسئله سیاست‌ورزی او در کسب بیشترین منافع مادی و نظامی بود. چنان‌که در سال ۳۹۲ق، پس از به اسارت درآمدن جیپال به همراه پسر و وزیرش به دست غزنویان، غنایم فراوانی از جمله گوهر، زر و سیم نصیب سپاهیان و سلطان محمود شد. در این هنگام، سلطان پیشنهاد آزادی و بازخرید جیپال در قبال دریافت مبلغی زر را به او داد که مورد پذیرش جیپال واقع شد (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۴۸/۲؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۸۱/۲۱). با

این سیاست، امتیاز مضاعفی نصیب محمود شد: از یک‌سو دریافت منابع مادی و نظامی و از سوی دیگر ایجاد شک و تردید در دل سایر فرمانروایان هندی با برگشت فرمانروای هندو نزد آنها. تدابیر نظامی و اجرای راهبرد صلح جنگی درجهت منافع مادی و نظامی را در دو حمله دیگر سلطان به قلعه گوالیار و کالنجر می‌توان مشاهده کرد (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۰۳-۴۰۲). سلطان محمود با توجه به مقتضیات جنگی و منافع مادی و یا احساس خطر از سوی رقیب، بارها برخلاف شعار غزا در دارالکفر به عقد صلحنامه با معارضان خود در هند اقدام کرده است.

فتح به شیوه حمله نظامی: سلطان محمود پس از اطمینان حاصل کردن از پیروزی بر دشمن و نیز دستیابی و به دست آوردن غارت منابع ثروت و نظامی، از راهبرد حمله نظامی یکجانبه استفاده و در بسیاری از فتوحات به این شیوه عمل می‌کرد. نمونه چنین موردی را پس از حمله سلطان محمود به مناطق هند برای سرکوب نندا و تروجنپال می‌بینیم که تروجنپال پس از پی‌بردن به حمله محمود، از رود گنگ گذشت و به شهر باری آمد که پس از تعقیب وی، ناگزیر شهر را خالی کرد. سلطان پس از خالی یافتن شهر از مردم، به غارت و آتش زدن معابد و منابع شهر دستور باری داد (گردیزی، ۱۳۶۳:۴۰۰-۳۹۹).

مصادره و انتقال غنایم جنگی

سلطان محمود پس از فتوحات نظامی خود در هند و غارت و غنیمت اموال، منابع و معابد آنها، دستور می‌داد غنایم و بت‌های شکسته شده معابد هندوها به شهر غزنه و دارالخلافه بغداد انتقال یابد تا با بهره‌گیری از این فرصت، هم بر مقبولیت اجتماعی خود بیفزاید و هم شوکت و اقتدار خود را نزد حکومت‌های محلی همسایه به رخ بکشد. این مطلب در فتح شهر تانیسر[1] که نزد هندوان جایگاه والای مذهبی داشت مشاهده می‌شود که پس از فتح تانسیر (سال ۴۰۲ق) و غارت اموال و شکستن بت‌های معابد آنجا، به مصادره و انتقال بزرگ‌ترین بت معبد تانسیر «جکر سوم» به غزنین برای مشاهده در انظار عمومی اقدام کرد (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۹۲). این امر می‌تواند تلاشی برای به دست آوردن مقبولیت اجتماعی نزد مردم تفسیر شود. افزون بر این، سلطان محمود و سپاه غزنوی در موضوع فتح سومنات، پس از تخریب معابد و شکست بت‌های آن مکان، برای جلوه - نمایاندن عمل خداپسندانه و جهادگونهٔ خود، بت بزرگ معبد سومنات مشهور به «سنگ منات» را به غزنین آوردند و برای نشان دادن اقتدار و شوکت خود به‌خصوص بین دول همسایه قسمت‌هایی از آن را به کاخ سلطنتی و قسمت‌هایی را هم به دو شهر مرکزی جهان اسلام یعنی مکه و مدینه انتقال دادند تا در آنجا بازتاب فتوحات محمود بیشتر نمود داده شود (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۱۳؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۸۰: ۲/ ۳۸۳؛ جوزجانی، ۱۳۶۳: ۲۲۹/۱). سلطان محمود همچنین برای اظهار شوکت و اقتدار خود نزد همسایگان و رقبای منطقه، دستور داد غنایم حاصل از فتح بهیم‌نگر را در صحن سرای کوشک برای دید عموم رعیت و حشم قرار دهند؛ در نتیجه مردم و افرادی مانند فرستادگان و سفرای ممالک همسایه از جمله طغان خان برادر ایلک‌خان برای تماشای آثار شوکت و اقتدار سلطان محمود به غزنین آمدند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۹۱؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۳/ ۵۲۹).

اطلاعات و بینش نظامی درباره استراتژی‌ها و تاکتیک‌های هندوها

در تصمیمات سلطان محمود برای حمله به سرزمین هندوستان، پیش از هر نبرد، اطلاعات مهمی از جغرافیای منطقه، توان نظامی حریفان، راهبردهای جنگی و شیوه‌های جنگی آنان گردآوری و متناسب با آن، برنامه‌ریزی‌ها و نقشه‌های جنگی ترسیم می‌شد. افزون بر آگاهی ازپیش تعیین شده، باید از بینش و آگاهی نظامی بالای سلطان محمود از طریق مشاوران و جاسوسانش در خبرگیری از سپاه هندوها اشاره کرد. برای نمونه، به رویارویی محمود با جیپال، به روایت عتبی استناد می‌شود که در رویارویی سلطان محمود با جیپال، از آنجا که جیپال منتظر سپاه پشتیبان برای پیوستن به نیروهایش بود تا با تعداد و توان بیشتری نبرد کند، تا موقع رسیدن قوای پشتیبان، مصمم بود نبردی صورت

۱. به نوشته تمثیل‌گونه گردیزی، «تانیسر به نزدیك هندوان همچنانست که مکه بنزدیك مسلمانان» (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۹۲).

نگیرد و تدبیر «وقت‌کشی» درپیش گرفته بود؛ اما سلطان محمود با آگاهی از این امر، عمل او را به عکس‌العمل دگرگون کرده و از این طریق نتیجه جنگ را به سود خود به پایان برد (عتبی، ۱۳۷۴: ۲۰۹-۲۰۸).

تزریق امکانات مالی . نظامی مناطق مفتوحه؛ به اقتصاد و سپاه

پس از فتح هر منطقه، غنایم بسیاری اعم از منابع مالی مانند طلا، سکه، شمش‌ها و بت‌هایی از جنس طلا، اقلام و کالاهای مصرفی؛ و موارد نظامی مانند فیل‌های جنگی، بار و بنه سپاهیان و آلات جنگ به دست می‌آمده است. افزون بر غنایم مادی قراردادهایی برای گسترش راه‌های تجاری و رونق کاروان‌های بازرگانی نیز منعقد می‌شده است. همچنین برده‌های جنگی و نیروهای انسانی به تصرف درمی‌آمد که در فتح‌های بعدی از آن‌ها استفاده می‌شده است. دسته‌بندی آنها عبارت بود از:

بهره‌مندی از غنایم مالی: از مهمترین غنایم به دست آمده از فتوحات در هند، مسکوکات مالی و طلا و جواهرات بود. عتبی در مورد کیفیت غنایم مالی به دست آمده از فتح قلعه بهیم نغر، می‌نویسد سلطان محمود «... از نفایس ذخایر و زواهر جواهر و بنات معادن و دفاین خزاین چیزی یافت که انامل کتاب و اوارج حسّاب از حدّ و عدّ آن قاصر آید...» (عتبی، ۱۳۷۴: ۲۹۳-۲۹۲) همچنین در مورد کیفیت غنایم مالی حاصل از نبرد بین سلطان محمود و جیپال، گزارش شده که در این فتح اموال و اسیران و جواهراتی گرانبها از جمله گوهرها و گردن‌بندهای نفیس به غزنویان غنیمت رسیده است (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۸۱/۲۱؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۳/ ۵۲۹-۵۲۸).

استفاده از غنایم نظامی: از جمله غنایم متصرفه غزنویان در نبرد با هندوان، لوازم و منابع نظامی است. در واقع مراد از غنایم نظامی، آلات و ادوات جنگی، حیوانات جنگی که مهمترین آنها در این موقع، فیلها بودند که اهمیت بسزائی برای استفاده نظامی محسوب می‌شدند. عتبی غنایم به دست آمده از فتح بهاطیه را «صد و بیست سر فیل از آن فتح در مرابط فیلان خاص افزود با غنایم بسیار از اموال و اسلحه» ذکر کرده است (عتبی، ۱۳۷۴: ۲۷۷). افزون بر این، سلطان محمود در سال ۴۰۰ق پس از تصرف منطقه نارین و سرکوب سران و مردم و تخریب معابد آنان، اعیان و بزرگان آنان برای بخشش و عقد قراردادی به خدمت سلطان درآمدند و در نتیجه با تضرع و التماس ملزم به پرداخت جزیه و فدیه شدند که از جمله پرداختی‌های هندوها، سی عدد اصطبل با تعدادی فیل‌های برگزیده شده در آن و غنایم و باج‌هایی نظیر اسباب و کالاهای دیگر بوده است (همان: ۳۱۲). از فیل‌های منحصربه فرد حاصل از فتح قلعه‌های قنوج و دژ شروه نیز گزارش شده است (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۹۹-۳۹۸).

بهره‌مندی از نیروی برده و اسرای جنگی: اسرای جنگی و برده‌های هندو، از غنایم نظامی فتوحات سلطان محمود در هند به شمار می‌آمدند. گزارش‌های متعددی از «غنیمت گرفتن برده» توسط غزنویان وجود دارد که به‌اختصار برخی از آنان اشاره می‌شود. در نبرد میان سلطان محمود و جیپال در سال ۳۹۲ق یکی از موارد نظامی حاصل شده، «غنیمت برده» به تعداد پانصد هزار برده گزارش شده است (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۸۱/۲۱). همچنین سلطان محمود پس از شکست جندرای و فرار وی و تصرف پایگاه وی یعنی قلعه شروه، ساز و برگ نظامی و بنه فیلان و افراد باقی مانده سپاه جندرای به دست سپاه سلطان محمود افتادند و از جمله دیگر غنیمت‌های پرشمار در این نبرد کثرت برده بود (عتبی، ۱۳۷۴: ۳۸۶-۳۸۵). سلطان محمود علاوه بر استفاده مالی از بردگان و غلامان هندی، از آنها به عنوان دسته‌های نظامی در سپاه خود استفاده کرده به طوری که پس از فتوحات گسترده محمود در ایالت‌های هند و دستگیری این بردگان آنها را به عنوان نیروی نظامی برای موازنه با قشون ترکی و سایر دسته‌های نژادی دیگر در سپاه خود جای داد. (جیلانی - جلالی، ۱۳۵۱: ۱۱۳)

گسترش راه‌های تجاری و بازرگانی قلمرو غزنویان با قرار گرفتن بر سر راه ممالک ثروتمند آن زمان هندوستان و چین، شاهراه مناسب و ارزشمندی جهت فروش امتعه گرانبهای ممالک مذکور به جزیرة العرب و بین‌النهرین و آفریقا و اروپا بشمار می‌رفت و تجار ایرانی، در این داد و ستدها نقش تعیین کننده و مهمی داشتند. البته در تسهیل رفت و آمد تجار مسلمان به هند و بالعکس، عوامل گوناگونی تأثیر داشت که به نظر می‌آید قراردادهای صلح بین سلطان غزنوی و

شاهزادگان هندی از همه مؤثرتر بوده است (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۲۱). منابع تصدیق می‌کنند که پس از فتوحات سلطان محمود در هند، روابط تجاری و راه‌های بازرگانی و آمد و شد تجار میان دو قلمرو غزنوی و هند رونق گرفت. در همین زمینه، عتبی گزارش می‌دهد که پس از فتوحات محمود در هند، «...راه قوافل و تجّار میان دیار خراسان و هندوستان گشاده شد» (عتبی، ۱۳۷۴: ۳۱۲). در گزارش‌های دیگر نیز از آمدن تجار به غزنه پس از فتوحات سلطان محمود خبر داده شد: «از اقاصی اقطار اصناف تجّار روی به غزنه آوردند» (عتبی، ۱۳۷۴: ۳۱۲؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۸۰: ۲/ ۳۷۹).

به کارگیری غنایم در بخش فرهنگی: اتخاذ هر تصمیمی در زمینه دینی و مذهبی توسط حکومت‌ها در زیرمجموعه کارکردهای فرهنگی حکومت‌ها باید تعریف شود. لذا اعمالی از جمله ایجاد یا تعمیر مسجد و نیز اعزام علما و مبلغین مذهبی جهت تبلیغات اسلامی و امور تأسیس مسجد و کرسی تدریس علوم اسلامی در دیار هند از طریق غنایم فتوحات هند توسط سلطان محمود، ذیل همین کارکرد جای می‌گیرد. در همین باب، عتبی در مورد تعمیر مسجد غزنه با پول و نیروی انسانی حاصل از فتوحات هند، پس از فتح و برگشتن سلطان محمود از غزوات در هند گزارشی به‌دست می‌دهد (عتبی، ۱۳۷۴: ۳۸۷-۳۸۶). با ملاحظهٔ گزارش‌های مورخان این دوره، باید اشاره کرد که سلطان محمود پس از فتوحات در هند، اعمال و دستورات مذهبی ازجمله انجام شعائر و تبلیغات اسلامی، مسجدسازی و اعزام علمای اسلامی را قوت بخشیده است. او از یک‌سو با به‌کارگیری نیروها، صنعتگران و هنرمندان هندی در ایجاد بناهای مذهبی و درنظر گرفتن بخشی از غنایم مالی حاصل از فتوحات، برای هزینه‌های اعزام مبلغین و مسجد و مدرسه‌سازی در سرزمین‌های هند، از فرصت جلوه دادن خود در قالب یک چهره دینی به عنوان غازی مسلمین و از سوی دیگر نمایاندن فتوحات هند در قالب مشروعیت‌بخش مذهبی و نه مطامع مادی به خوبی از عملکرد فرهنگی حاصل از غنایم به عنوان یک فرصت استفاده و در واقع فرصت‌سازی کرده است (گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۹۵-۳۹۴؛ عتبی، ۱۳۷۴: ۲۷۷).

د) تهدیدها

شرایط ناسازگار اقلیمی و خطرات محیطی هندوستان

محیط متفاوت و ناسازگار سرزمین هندوستان به لحاظ آب و هوایی و نیز مختصات ناهموار جغرافیایی آنجا، باعث شده بود سلطان محمود در برخی از حملات خود به هندوستان با مشکلات بزرگ و تهدیدزایی روبه‌رو شود. چنان‌که پس از حمله سلطان محمود به هند و تسخیر بهاطیه، در راه بازگشت از مسیر، سپاه غزنوی گرفتار بارش‌های شدید شد که از این بابت سپاهیان غزنوی رنج و زحمت فراوانی متحمل شدند (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۱/ ۲۹۶-۲۹۵). همچنین در سال ۴۰۶ق که سلطان محمود از غزنین به کشمیر عزیمت کرده بود، به سرمای زمستان گرفتار شد؛ لذا در دره کشمیر با ساکنین «حصار لوهکوت»[1] درگیر شد، ولی سرمای هوا و بارش سنگین برف و یخبندان منطقه مانع ادامه محاصره و درگیری در نواحی کوهستانی منطقه می‌شد، و سلطان محمود با مشاهده این وضعیت دستور داد نیروها بازگردند و از کوهستان‌ها و دره‌های سرد و یخبندان کشمیر به نواحی گرم‌تر صحرا و دشت‌ها سرازیر شوند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۹۵). افزون بر این، سپاه غزنوی پس از چهار روز محاصره که به فتح بهاطیه حاصل شد، در راه بازگشت به غزنین، گرفتار باران‌های شدید موسمی و طولانی‌مدت شد از این رو به سبب طولانی بودن و سختی مسیر ناچار به بازگشت شد و غنایم بسیار و تعداد زیادی خدم و حشم سلطان در این میان از بین رفتند (یمینی، ۱۳۷۴: ۲۷۷). در همین باره، فرخی سیستانی در دیوان شعر خود، ضمن ستایش فتح سومنات، به مشقات و سختی‌های فراوانی که سپاه محمود گرفتار آن شده بود، اشاره کرده است (فرخی‌سیستانی، ۱۳۱۱: ۳۵).

تهدید قلمرو غزنویان از سوی همسایگانش

در آغاز حکومت سلطان محمود، در سمت جنوب قلمرو غزنویان، بازمانده حکومت صفاری یک تهدید به شمار می‌آمد؛ بنابراین محمود غزنوی تنها پس از سرکوب امیر خلف صفاری در سال ۳۹۰ق و آرامش خاطر از جانب سیستان و

۱. یعنی حصار آهنین و محکم (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۹۵).

امیر صفاری، به سوی سرزمین هند یورش برد (فروزانی، ۱۳۹۱: ۱۱۲-۱۱۳). گردیزی و عتبی نیز نخستین حمله محمود به هندوستان را پس از فراغت احوال محمود از امیرخلف صفاری در سیستان ذکر کرده‌اند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۸۲-۳۸۱؛ تاریخ یمینی، ۱۳۷۴: ۲۰۸-۲۰۲). همچنین در شمال قلمرو غزنوی، نیروی مقتدر و نیرومند قراخانیان که بر سرزمین وسیعی سیطره داشت، با تجاوز و تحرکات به خراسان و قلمرو غزنویان به عنوان یک تهدید، حملات محمود به هند را با توقف روبه رو کرده بود. از جمله در هنگام حمله غزنویان به مولتان، وقتی ترکان دریافتند سلطان محمود برای فتح سرزمین‌های هند عزیمت کرده است، به تحرکاتی در خراسان دست زدند که این تحرکات طبیعتاً سلطان محمود را به عقب‌نشینی از مولتان واداشت (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۸۸).

امکان اتحاد و مقابله یکپارچه فرمانروایان هندی علیه سلطان محمود

در بخش فرصت‌ها، یکی از عوامل فرصت‌ساز، پراکندگی مراکز قدرت در سرزمین هند یاد شد. در مقابل این فرصت بزرگ، تهدیدهایی نیز از سوی برخی اتحادها میان هندوها برای مقابله علیه غزنویان صورت گرفته بود. هرچند بنا به مقتضیات و شرایط محیطی هندوستان آن روزگار، امکان به وجود آمدن حکومتی یکپارچه از تمامی مراکز پراکنده قدرت تحت لوای یک قدرت مرکزی بسیار نامحتمل می‌نمود، اگر اتحاد نیروهای هندی با شدت و قوت بیشتری صورت می‌گرفت، تهدید مهمی برای مهاجمان غزنوی به حساب می‌آمد. بنا بر گزارش‌های تاریخی، در نبرد ویهند که سلطان محمود برای تسخیر آنجا عازم شده بود، فرمانروایان و رجال هندو برای رویارویی با محمود متحد شده بودند (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۰: ۲/۲۷۸). این گزارش به محمود رسید و محمود نیز با توجه به ملاحظاتی که در مورد سپاه خود داشت، عدم رویارویی با این نیروهای متحد هندی را انتخاب و مسیر خود را منحرف و از برخورد با سپاه متحد هندی حذر کرد (همان)؛ چرا که در صورت برخورد دو سپاه، امکان شکست سپاه سنگین محمود محتمل‌تر بود. این امر، موقعیت‌شناسی و نکته‌سنجی سلطان غزنوی را به‌خوبی نمایان می‌سازد.

امکان شورش سپاه دائم در جنگ؛ با توقف فتوحات در هند

بنابر آنچه در باب نقاط ضعف سپاه غزنوی یعنی فقدان انسجام نیروها و به عبارتی بهتر سپاه فراخوانده شده از نژادهای مرکب با توانایی‌های متفاوت مطرح شد، در اینجا به عملکرد سپاهِ «همیشه در حرکت» غزنوی اشاره می‌شود که برای تأمین هزینه‌ها و نگه‌داشتن نظم خود که هر آن امکان گسیختن آن وجود داشت، باید همیشه در حرکت، فتح و غارت‌های مکرر باشد تا هزینه‌های خود را تأمین کند. عتبی به از سرگیری فتوحات در هند پس از دو نبرد خارجی نیمه‌تمام در مولتان و داخلی با ایلک‌خانی‌ها اشاره کرده است (عتبی، ۱۳۷۴: ۲۹۲-۲۹۱). درواقع، سپاه سلطان محمود سپاهی در حال حرکت و دائم در جنگ بوده که سلطان محمود برای دفع این تهدید و تبدیل آن به فرصت، از «جنگیدن» به عنوان یک مشغولیت برای سپاهی که در صورت نبود جنگ هر آن امکان پراکندگی و شورش نیروهایش وجود داشته، استفاده کرده است. این امر افزون بر کاهش خطر شورش سپاه می‌توانست به افزایش فتوحات و مطرح‌شدن محمود به عنوان فاتح و غازی خستگی‌ناپذیر بینجامد، و بر وجاهت و هیبت او به عنوان نخستین سلطان دنیای اسلام بیفزاید.

امکان نافرمانی حاکمان گماشتۀ سلطان محمود

سلطان محمود پس از فتح نظامی و جنگی مناطق، برای منطقه قتل و غارت شده، یک حاکم بومی یا غیر بومی متعهد برمی‌گماشت. گزارش سرپیچی اندپال -جانشین جیپال و فرمانروای بخشی از سرزمین هند- که در جریان عزم سلطان محمود به مولتان همکاری نکرده و اجازه گذر سپاهیان محمود را از سرزمینش نداده بود، شاهد این مدعا است (عتبی، ۱۳۷۴: ۲۷۹-۲۷۸؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۸۸).

نتیجه‌گیری

به‌کارگیری مؤلفه‌های چهارگانه مفهومی «نظریه سوات» در تحلیل دلایل پیروزی جنگ‌های سلطان محمود غزنوی با هندوها، رویکردی نوین در تحلیل مسئله‌ای تاریخی محسوب می‌شود؛ به طوری که با مطالعات بینارشته‌ای می‌توان به نظرگاه‌ها و تحلیل‌های بکری از مسائل تاریخی دست یافت. با توجه به داده‌های منابع و پیاده سازی آنها در قالب مولفه‌های کلیدی این مدل تحلیل باید اذعان داشت سلطان

محمود از یک‌سو به خوبی از نقاط قوت خود نظیر سابقه نظامی‌گری، جهادی، قابلیت‌های رهبری، فرماندهی و فردی بهره برده و از سوی دیگر با تقویت نقاط قوت داخلی، نظیر بهره‌مندی از شعائر برای تقویت انگیزه سپاهیان و افزایش توانایی‌ها و کاربرد فنون پیشرفته نظامی و یکپارچگی صاحب منصبان در اجرای مقصود، حداکثر استفاده را از آنها برده است؛ همچنین از فرصت‌هایی بیرونی نظیر حمایت دستگاه خلافت عباسی، تقویت مشروعیت دینی در تأیید حملات و گردآوری سپاهیان مطوعه و جان برکف در سپاه غزنوی، موقعیت خاص خراسان بزرگ و فرماندهی خراسان در اوان سپسالاری خود بهره برده است. بدین ترتیب، سلطان محمود فرصت‌هایی خارج از شرایط خود ایجاد کرده و با کاربرد درست آنها، به کسب پیروزی‌های متعدد علیه هندوها نائل شده است. از منظر دیگر، سلطان محمود و ساختار قدرتمند سپاهش، با ازبین‌بردن نقاط ضعف درونی نظیر مشکل در مقبولیت اجتماعی، پیشینه غلامی و نداشتن سابقه درخشان خاندانی در میان ایرانیان و تفاوت نژادی، سپاه متنوع، نداشتن سابقه مذهبی و نیز کنترل و مدیریت نقاط تهدیدآمیز خارجی نظیر خطر رویارویی با دستگاه خلافت، تهدید همسایگان ترک، صفاری و سامانی و سلجوقی به نفع خود، توانستد از نقاط ضعف خود که در صورت عدم مدیریت منسجم و مدبرانه ممکن بود تهدیدهای مهمی در پیشبرد جنگ‌های محمود به حساب آیند، رهایی پیدا کنند و با دفع تهدیدهای داخلی و خارجی، نقاط ضعف را به قوت تبدیل کنند. به تعبیر دقیق‌تر، موفقیت سلطان محمود در رویارویی‌هایش با هندوها، از یک سو مدیون ترمیم، تبدیل و دفع نقاط ضعف و تهدیدها و از سوی دیگر مبتنی بر موقعیت‌سنجی دقیق، به‌کارگیری صحیح نقاط قوت و ایجاد فرصت‌سازی و استفاده بهینه از آنها متناسب با وضعیت جنگی پیش آمده است.

فهرست منابع

۱. ابن‌اثیر، ابوالحسن عزالدین. (۱۳۷۱). ***تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران***، ترجمه: عباس خلیلی، ابوالقاسم حالت. تهران: علمی.

۲. ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد. (۱۳۶۳). ***العبر؛ تاریخ ابن خلدون***. ترجمه عبد المحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۳. باسورث، کیلفورد ادموند. (۱۳۷۸). ***تاریخ غزنویان***. ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

۴. بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین. (۱۳۷۴). ***تاریخ بیهقی***. تصحیح خلیل خطیب رهبر، تهران: مهتاب.

۵. پیرنیا، حسن و اقبال، عباس. (۱۳۸۰). ***تاریخ مفصل؛ تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه***.. تهران: خیام.

۶. جوزجانی، منهاج الدین سراج ابوعمر عثمان. (۱۳۶۳). ***طبقات ناصری***. تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.

۷. جیلانی جلالی، غلام. (۱۳۵۱). *غزنه و غزنویان*، شماره نشرات ۱۸، کابل –افغانستان.

۸. حسن‌زاده، اسماعیل. (۱۳۸۵). «*ساختار و عملکرد سپاه غزنوی*». ***پژوهشنامه علوم انسانی***، شماره ۵۲، ۱۵۲-۱۱۵.

۹. خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین. (۱۳۸۰). *تاریخ حبیب السیر*، تهران: خیام.

۱۰. زیدان، جرجی. (۱۳۷۲). *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.

۱۱. سلیم، غلامرضا. (۱۳۸۳)، ***محمود غزنوی و سرانجام واپس‌گرایی در ایران***. چ اول، تهران: نشر بلخ.

۱۲. سیستانی. (۱۳۱۱ش). ***دیوان فرخی سیستانی***، تصحیح علی عبدالرسولی، چاپ مجلس.

۱۳. شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد. (۱۳۸۱). ***مجمع الانساب***. تصحیح میر هاشم محدث، تهران: امیرکبیر.

۱۴. عتبی، ابی نصر محمد بن عبد الجبار. (۱۳۷۴). ***تاریخ یمینی***. ترجمه ابوالشرف ناصح جرفادقانی، به تصحیح جعفر شعار، تهران: علمی و فرهنگی.

۱۵. عنصرالمعالی کیکاووس بن قابوس.(۱۳۸۳). *قابوس نامه*، غلامحسین یوسفی، تهران: علمی و فرهنگی.

۱۶. فرای، ریچارد نلسون. (۱۳۷۹). ***تاریخ ایران از ظهور اسلام تا آمدن دولت سلجوقیان***؛ جلد چهارم تاریخ ایران کمبریج. ترجمه حسن انوشه، تهران: علمی و فرهنگی.

۱۷. فردوسی، ابوالقاسم، (بی‌تا) ***شاهنامه***، تهیه و نشر ایران من.

۱۸. فروزانی، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). ***غزنویان از پیدایش تا فروپاشی***، چ ششم، تهران: سمت.

۱۹. فخاری، حسین و ناصر برخوردار. (زمستان ۱۳۹۲). «بررسی استراتژی پیامبر اعظم(ص) در صلح حدیبیه براساس تحلیل سوات»؛ مجله علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، دوره٤، شماره۱۳، ۷۸-٥۱.

۲۰. گردیزی، ابی‌سعید عبدالحی بن الضحاك بن محمود. (۱۳٦۳). ***زین‌الاخبار***، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب.

۲۱. محمدی، ذکرالله. (۱۳۸٦)، «نقش غنایم و ثروت هند در بنیه‌های اقتصادی غزنویان». ***فصلنامه علمی. تخصصی تاریخ***، سال دوم، (شماره چهارم)، ۱٤٤-۱۱۷.

۲۲. مددی، محمد اکبر. (۱۳٥٦). ***وضع اجتماعی دوره‌ی غزنویان***، تهران، بیهقی.

۲۳. ناظم، محمد. (۱۳۷۸).***حیات و اوقات سلطان محمود غزنوی***، ترجمه عبدالغفور امینی، مرکز میوند.

۲۴. نواده مهلب پسر محمد پسر شادی. (۱۳۷۸). ***مجمل التواریخ و القصص***، تصحیح نجم الدین سیف آبادی، آلمان، دومونده نیکارهوزن.

۲٥. هندوشاه استرآبادی، محمد قاسم. (۱۳۸۷). *تاریخ فرشته از آغاز تا بابر*به تصحیح محمد رضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

سایت اینترنتی

میرزاعابدینی، شهرزاد. «معرفی تکنیک سوآت وکاربرد آن در گردشگری». (۱۳۹۷/۰٦/۰۷) از سایت:

https://www.bahramabedini.ir/fa/component/k2/166-